

آینه‌های روبه‌رو

از سینما به تئاتر، خلاف جهت آب



شاهرخ دولکو

■ در صحنه‌ای از فیلم درخشان مردی برای تمام فصول (فرد زینه مان، ۱۹۶۶) بین سسر تلمس مور و قایقرانی که باید او را به خانه برگرداند، بحثی درمی‌گیرد. قایقران دوبرابر پولی که برای آوردن سر تلمس مور گرفته، برای برگردان او طلب می‌کند و در پی اعتراض مور، توضیح قانع‌کننده‌ای ارایه می‌دهد: مسیر آمدن از ریچموند به چلسی در جهت جریان آب بوده و انرژی زیادی از قایقران طلب نمی‌کرده، اما از چلسی به ریچموند خلاف جهت آب است و لاجرم، توانی مضاعف برای پارو زدن در خلاف جریان آب می‌طلبید پس باید پول بیشتری پرداخت. این، جامنایه فیلم زینه مان است: برای حرکت در مسیر و جریان مخالف، لاجرم باید هزینه بیشتری هم پرداخت. هزینه‌ای که سسر تلمس مور با جدا شدن سسر از بدنش آن را می‌پردازد تا تاوان مخالف‌خوانی‌اش را پرداخت کرده باشد. و سر تلمس مور، شخصیت دراماتیک محبوب من است: کسی که از صرف هزینه بیشتر برای بیان عقیده و مخالفتش با جریان اصلی و جاری نمی‌هراسد و در مقابل هیچ نیرویی سر تعظیم فرو نمی‌آورد. این گونه شخصیت‌ها، که به ایمان خود وفادارند و آن را با هیچ چیز دیگری معاوضه نمی‌کنند و حتی جان‌شان را برای حفظ اصول و عقاید شخصی‌شان فدا می‌کنند، بسبار احترام‌انگیزند برای من.

پنجشنبه شب گذشته، من جزو معدود آدم‌های خوشبختی بودم که در مراسم افتتاح آخرین نمایش رضا حداد- آمدیم، نبودید، رفتیم- حضور داشتم و حظ کردم از این همه جسارت برای طلی کردن مسیری خلاف جریان همیشگی موجود در حال جامعه؛ دانستن اینکه عافیت‌طلبی و سهل‌انگاری و نای به نرخ روز خوردن و سر در لاک خود فرو بردن، برای همه عادی نشده است، و اینکه هنوز کسانی هستند که حاضرند هزینه حرکت در مسیر و جریان مخالف عادت را بپردازند و پای آن بایستند. و این، رشکانگیز است. توضیح می‌دهم:

تمام ملت شریف ایران عاشق سینما هستند. همه می‌خواهند یا بازیگر بشوند یا- حداقل- کارگردان. برنامه‌های هنری تلویزیون و رادیو حول محور سینما می‌چرخد. صفحات فرهنگی -هنری همه روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها و فصل‌نامه‌ها و گاهنامه‌ها- انگار- حول محور سینما می‌چرخد. بحث و فحص مردم در میهمانی‌ها و هنگام خرید از سوپرمارکت و هنگام زدن نرینز در اتومبیل‌شان حول محور سینما می‌چرخد. سینما، سینما و سینما. انگار هنر دیگری در این مملکت وجود ندارد کلا. حالا در این وانفاسی گرایش شیفته‌وار و چشم‌پسته به سینما، یکی می‌کوشد تئاتر شخصی و سخت و پرهزینه و دشوار خودش را ارایه دهد و حتی ابایی ندارد از اینکه تمامی المان‌های سینما را نیز فدای هنر تئاترش کند و از تمامی آنها سوءاستفاده شخصی خودش را بکند و کتش هم نگزد از اینکه همه این استفاده‌ها و هزینه‌ها و عرق ریختن‌ها و تلاش‌ها و سختی‌ها، در مدیوم سینما بسیار بسیار بیشتر از این فایده و سود- مادی و معنوی- خواهد داشت. و همچنان بر سسر حرف- خلاف عادت-ش بماند و بماند و به حرف هیچ عاقل مردم‌فرب عافیت‌طلبی هم گوش جان نسیار، و تمام راسرشتن این همه سرسختی و یک‌دندگی و اعتمادبنفس و باور و عافیت‌گریزی و مسیر سخت و مخالف پیموون، من را بدجوری قفلکلی دهد و به ستایش وادارم می‌کند.

تئاتر رضا حداد- آمدیم، نبودید، رفتیم- اگر هیچ چیز هم نداشته باشد- که دارد- حداقل از این بابت ستایش‌انگیز و رشک‌انگیز است. تمامی استفاده‌های حداد از المان‌های سینمایی (که در نمایش‌های قبلی هم آنها را دیده بودیم) اینجا در حد نهایت گسترش یافته و مورد استفاده قرار گرفته است. از هنرپیشه‌های سینما گرفته (که برخی کور کورانه و با دیدی صرفا سسندیکایی آن را رد می‌کنند) تا نحوه استفاده از یک و فراتر پروجکشن، تا ساخت و نمایش فیلم‌های داستانی و مستند و انیمیشن و کلیپ و تیزر و حالا تا استفاده از سیستم‌های پیشرفته جهانی (مثل 3D Mapping) که نمایش حداد را نه تنها یک سر و گردن از سایر نمایش‌های مرسوم بالاتر می‌برد، بلکه نمونه قابل بررسی‌ای از نحوه حضور سینما در نمایش را به دوستداران هر دو هنر ارایه می‌دهد.

و اینها همه به جز متن هوشمندانه محمد چرمشیر، اجرای خوب بازیگران و به‌خصوص گروه حرکت نمایش که با طراحی زیبای لوانا گرگمکنا شکلی اسطوری پیدا کرده است، موسیقی و صدای خوب (کار روزه بمانی، انکیبدو دارش و همایون نصیری)، صحنه‌پردازی ساده و پرمفهوم سیماک احصایی، لباس فوق زمان و مکان گلناز گلشن، طراحی گرم عالی ماریا حاجبیا و استفاده درست از ماسک (با طراحی فرانچسکو جیوونه)، انیمیشن‌ها، کلیپ‌ها و تیزرهای مفهومی و خوش‌ساخت (کار کوه ابراهیم‌پور، مسعود علیمحمدی و صادق آهی) و از همه مهم‌تر 3D Mapping عالی (کار کوه جووون و کیم سسون تاک) است که همه و همه با کارگردانی پربصیرت و هوشمندانه حداد، آمدیم، نبودید، رفتیم را بدل به نمایشی جذاب، باشکوه و دیدنی کرده است؛ نمایشی که می‌توان دیدن آن را به عنوان مدلی موفق از ترکیب سینما و نمایش به تماشاگر مشتاق دیدن کاری خلاقه و نو توصیه کرد.

شرق: همین چند ساعت پیش بود که برندگان اسکار ۸۴ هم مشخص شدند اما تا ساعتی قبل از مراسم، گمانه‌زنی‌ها برای انتخاب بهترین‌ها ادامه داشت. از یک سو ایرانی‌های علاقه‌مند منظر بودند تا کلکسیون جوایز جهانی ایران تکمیل شود. همان‌طور که استاد انتظامی آرزو کرده بود. همان‌طور که پیشتر نیز اصغر فرهادی درباره اینکه اگر جایزه اسکار فیلمنامه را ببرد چه حسی خواهد داشت، مطرح کرده بود:

«این موفقیت تنها برای من نخواهد بود بلکه متعلق به همه کارگردانی خواهد بود که به زبان‌هایی غیر از انگلیسی فیلم می‌سازند. این به معنای آن است که زبان نمی‌تواند مانعی در ارتباط برقرار کردن تماشاگران با فیلم‌ها در دنیای سینما باشد. سینما یک زبان مشترک جهانی است.» هرچند فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساعاتی قبل جایزه بهترین

فیلم خارجی را از جوایز اسهریت ۲۰۱۲ دریافت کرد، به گزارش هالیوود رپورتر درباره فیلم‌های امسال آن هم در بخش فیلم‌های خارجی که نامزد اسکار شده‌اند، نکته این است که همه این فیلم‌ها خوب هستند. در واقع باید بگویم به قدری همه این فیلم‌ها خوب هستند که نمی‌توان به آسانی بهترین فیلم سال را انتخاب کرد و اگر بنا بر حدس زدن باشد، می‌شود سر هر کدام از فیلم‌ها شرط بست. اگر جوایز و گروه‌های منتقدان نشان‌دهنده اهمیت یک فیلم باشد «جدایی» فیلمی است که در این زمینه غوغا به پا کرده است. همه به اتفاق آرا در تمام جهان این درام خانوادگی اصغر فرهادی که به نمایش جنبه‌هایی از زندگی ایرانیان که تا به حال دیده نشده بود پرداخته را تحسین کرده‌اند. این فیلم موفق‌ترین فیلم ایرانی است که تا به حال در غرب نمایش داده شده است. در حقیقت این فیلم توانسته جنبه‌ای از زندگی طبقه متوسط ایرانی را که پیش از این هرگز با آن آشنا نبودیم را به نمایش بگذارد؛ جزئیاتی از زندگی و سیستم قضایی در ایران. همیشه ممکن است عوامل خارجی در انتخاب بهترین فیلم خارجی تاثیر بگذارد، ایرانی را انتخاب کنند اما از سوی دیگر ممکن است افراد دیگری باشند که روی مسایل سیاسی و مذهبی به این فیلم رای بدهند. اما در نیویورک تایمز چنین تحلیل شده بود که انگار به نظر می‌رسد پیش‌بینی مراسم اسکار یک

حراج خانه کودکی هینگوی



توبه

شیکاگو توبه:نخاله‌دوران کودکی «ارنت هینگوی» نویسنده آمریکایی و خالق رمان «پیرمرد و دریا» در حومه شهر شیکاگو برای کمک به بنیاد هینگوی برای فروش آماده می‌شود.این خانه در حال حاضر توسط بنیاد این نویسنده اداره می‌شود. این بنیاد ارزش خانه کودکی «هینگوی» را ۵۲۵هزار دلار اعلام کرده است.

استعفای امینی تکذیب شد

تغییراتی در مرکز هنرهای نمایشی در راه است

شرق: با اینکه برخی از سایت‌ها از شایعه استعفای رحمت امینی به عنوان مدیر شورای نظارت و ارزشیابی مرکز هنرهای نمایشی خبر داده بودند، محمد دشت‌گلی، سرپرست مرکز هنرهای نمایشی با تکذیب این خبر به «شرق» گفت: «هن در جریان این استعفا نیستیم. اما وقتی خبر را شنیدیم با خود دکتر امینی تماس گرفتیم و ایشان هم اظهار بی‌اطلاعی کردند.»پراساس خبری که روی خروجی سایت الف منتشر شده بود، مدیر نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی در اوایل هفته، با حضور در این اداره و خداحافظی از همکاران خود، رسماً از سمت خود کناره‌گیری کرد. دشت‌گلی با اشاره به اینکه امینی در حال حاضر در حال جمع‌بندی کارهای سی‌امین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر است، گفت: «اگر قرار باشد استعفا بدهند اولین کسی که در جریان قرار می‌گیرد، من هستم. چطور ممکن است از سمت خود خداحافظی کرده‌اند که من و همکاران‌شان و حتی خودشان هم در جریان نیستند. اما ایشان کماکان به عنوان مدیر دفتر شورای نظارت و ارزشیابی هستند.»این همه دشت‌گلی که همچنان پس از چهارماه سمت سرپرست مرکز هنرهای نمایشی را دارد،

ادب‌و هنر

آرزویمان برآورده می‌شود؟

همه پیش‌بینی کردند، فرهادی اسکار را می‌برد



کارگردان جدایی که همچنان در میان فیلم‌های خارجی پیش‌تاز است ادامه داد که دخترش حتی قبل از به پایان رسیدن فیلمنامه ارتباط تنگاتنگی با داستان داشته است. جدایی در حالی که تا به حال جوایز زیادی را برای فرهادی به ارمان آورده در مراسم اسکار باید در مقابل فیلم‌های موسیو لازار از کلاند، در تاریکی از لهستان، یادداشت از رژیم صهیونیستی و کله خر از بلژیک رقابت کند. فیلم در تاریکی ساخته «هلند» است؛ کارگردانی که تاکنون تصاویر متفاوتی از کودکان را در فیلم‌هایش خلق کرده است. او که خرده جنایت‌های جنگ جهانی دوم و نازی‌ها را در فیلم‌هایش به تصویر کشیده، در مورد حضور کودکان در فیلم‌هایش می‌گوید: «بزرگ‌ترین ترس من این است که آنها از این تصاویر وحشت‌زده شوند. ممکن است کالوس موش‌ها و زندگی در کلان‌های ترسناک آنها را رها نکنند.»

پیش‌بینی‌های اسکار و اصغر فرهادی

دو سایت Twincities و Calgaryherald به پیش‌بینی برندگان اسکار پرداخته‌اند. در این سایت‌ها دو دسته فیلم‌هایی که برنده خواهند شد و امکان برنده شدن‌شان وجود دارد، مشخص شده است. سایت کالگری هرالده فیلم اصغر فرهادی را در دسته برندگان بهترین فیلم خارجی قرار داده و امکان برنده شدن را مختص این فیلم دانسته. سایت توین سیتی همچنین در مورد این فیلم نوشت: «در دسته فیلم‌های خارجی که غالباً بهترین فیلم‌ها

انتخاب نمی‌شود به نظر می‌رسد امسال فیلمی پیدا شده که مورد علاقه همه است. این فیلم نه تنها امسال بیشترین جوایز برای فیلم‌های خارجی را دریافت کرده بلکه در بخش‌های دیگری مثل فیلمنامه نامزد اسکار است و جدای از اینها این فیلم از سوی ایران نامزد شده است. در شرایطی که فیلم در تاریکی راجع به هولوکاست رقیب این فیلم است شاید رقابت کمی دشوار به نظر برسد زیرا موضوع هولوکاست همیشه مورد علاقه اهالی اسکار بوده است اما با تمام این احوال فیلم جدایی برنده جایزه بهترین فیلم خارجی خواهد بود و جز این فیلم امکان دیگری در ذهنم نمی‌گنجد. در شرایطی که این دو سایت احتمال بالایی را برای دریافت اسکار فیلم جدایی می‌دانند سایت jpost جایزه بهترین فیلم خارجی را از آن در تاریکی می‌داند و در مورد جدایی گفته: «اگرچه

بیشترین مخاطبان اسکار فیلم جدایی را برای دریافت جایزه مناسب می‌دانند اما زمانی که می‌خواهی پیش‌بینی کنی که چه فیلمی انتخاب می‌شود باید نگاهت را از فیلم دور کنی و به رای‌دهندگان فکر کنی. برخلاف بسیاری از بخش‌های دیگر مراسم اسکار که رای‌دهندگان می‌توانند بدون دیدن تمام فیلم‌ها فیلمی را انتخاب کنند در این دسته همه رای‌دهندگان باید پنج فیلم را دیده باشند این قانون می‌تواند فضای تبلیغاتی که غالباً قبل از مراسم حول فیلم‌های خاصی شکل می‌گیرد را از بین ببرد و انتخاب را منطقی‌تر کند. در نتیجه به نظر می‌رسد جدایی شانس جدانی برای بردن جایزه ندارد. این گفته‌ها در شرایطی است که هالیوود رپورتر هم فیلم «کله‌شقی‌ها» را در این فهرست پنجگانه مقدم برمی‌شمرد و در فهرست پیش‌بینی خود جدایی را در سومین رتبه قرار داده است. سایت دیلی نیوز اند آنالیز شانس بالایی برای اصغر فرهادی قابل است زرا این فیلم بیش از تمام فیلم‌های خارجی امسال جایزه دریافت کرده و اگر اسکار به کس دیگری برسد برای تمام مخاطبان یک سورپرایز خواهد بود. در این میان نیویورک تایمز اسکار بهترین فیلم خارجی را از آن جدایی دانست و نوشت: «فیلم جدایی از روزی که ساخته شد تاکنون جوایز متعددی را دریافت کرده و این جوایز بی‌غلت هم نبوده است که در فهرست بهترین فیلم‌های خارجی می‌درخشد.»

«تمشک طلایی» برای آل پاجینو



رویتز: نامزدهای جوایز «تمشک طلایی» که هرساله به بدترین‌های سال هالیوود اعطای می‌شود در حالی معرفی شدند که در بخش بدترین بازیگران مرد، حضور «آل پاجینو» تعجب‌انگیز است. در کنار پاجینو، نیکول کیدمن و آدام سندلر قرار دارند. «آل پاجینو» برای بازی در فیلم «جک و جیل» نامزد عنوان بدترین بازیگر مرد هالیوود شده است.

در دو مراسم مختلف

هنرمندان آرزوی اخلاق کردند

شرق: روز گذشته چندین مراسم با حضور هنرمندان سینما و تئاتر و تلویزیون برگزار شد که نکته جالب آن این بود که هنرمندان در آن مراسم بر گمشدنی اخلاق و تاکید بر اخلاق گرایی صحبت کردند. مراسم اختتامیه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ فرصتی بود تا فیلمسازان از خانه سینما بگویند و افرادی غیرسینمایی مانند ناپلوندیان از گم شدن اخلاق. همایون اسعدیان: جای بنی‌اعتماد و تبریزی امروز خالی است. به گزارش خبرنگار اینا همایون اسعدیان با اشاره به اینکه وی عضوی از خانه سینما است گفت: من عضو خانه سینما هستم. روزی که به من گفتند قرار است اینجا پیامم بگویم که به گزارش جایگاه من اینجا نیست و باید افرادی مانند کمال تبریزی و رخشان بنی‌اعتماد در اینجا حضور پیدا کنند، امیدوارم شرایطی به وجود بیاید که اخلاق به اوج برسد. انتظامی هم در بخشی از این مراسم با طرح این سوال که باید از خود بپرسیم چرا خوش‌اخلاق نیستیم، گفت: «متأسفانه ما در این سال‌ها زیاد خوش‌اخلاق نیستیم و همواره به یکدیگر دروغ می‌گوییم. برای اینکه حرف‌های من را باور کنید کافی است ۲۰ دقیقه در تهران رانندگی کنید متوجه



شب گذشته هشتاد و چهارمین مراسم اسکار در سالن کدک لس آنجلس برگزار شد. دوره‌ای که با توجه به نامزدی جدایی نادر از سیمین در دو رشته و حضور هنرمندان ایران شکل و بوی خاصی برای ایرانی‌ها داشت. این فیلم روز یکشنبه جایزه اسپیریت را هم دریافت کرد و هنرمندان آن در مراسم مختلف شرکت کردند.



گزارش تصویری

مسوولان سالن تئاتر «گلوب» که زمانی به دست ویلیام شکسپیر در استر آنفورد ساخته شده، اعلام کردند فردی ناشناس مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار پوند به این مرکز فرهنگی اعطا کرده است. هفتصد هزار پوند از این مبلغ صرف ساخت سالن تئاتر مسقف مخصوص آثار نمایشی رنسانس خواهد شد که ساخت آن از ماه اکتبر آغاز می‌شود. این سالن ۳۰۰ نفره قرار است در نوامبر ۲۰۱۳ راه‌اندازی شود.

هفت هنر

بیضایی، یعقوبی و رادی تقدیر شدند

جشنی با کل

و برای همه تئاتری‌های نویسنده

■ شرق: برترین‌های نمایشنامه‌نویسی در حالی معرفی شدند که نمایشنامه‌نویسان، گله‌مند بررسی‌های بیش از حد آثارشان بودند و به فکر تشکیل اتاق بر ضد این مسایل افتادند. این اتاق البته پیشنهاد علی‌رضا نادری بود که برای اهدای جایزه بهترین نمایشنامه به محمد یعقوبی روی صحنه آمده بود. او با بیان اینکه از زمانی که قرار شد اِسن جایزه را اهدا کنم به فکر پیشنهادی بودم این سوال را مطرح کرد که «آیا ما می‌توانیم ذیل عنوان کانون نمایشنامه‌نویسان یک اتاق، کمیته یا تشکیلات ایجاد کنیم؟» یعقوبی که جایزه را برای نمایش یک دقیقه دریافت کرده بود، به این سوال پاسخ داد: «خانه کتاب اخیراً از مصوبه شورای انقلاب فرهنگی رونمایی کرد؛ رونمایی به معنای واقعی، چراکه تاکنون ما با مصوبه به این شکل شفاف و روشن آشنا نبودیم و متأسفانه همیزان نظرات شخصی خودشان را اعمال می‌کنند.» نادری هم با بیان اینکه چطور ممکن است نمایشنامه‌ای را که اجرای صحنه‌ای شده، نتواند مجوز انتشار بیابد، گفت: «تکلیف کتاب نمایشنامه «کوکوی کبوتران حرم» که پیش از این اجرا شده بود و از همان وزارتخانه‌ای که مجوز به روی صحنه رفتن نمایشی را می‌دهد از انتشار منع می‌شود، چیست؟ شهلا لاهیجی، مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان که برای اهدای جایزه شاعر برتر حوزه نمایش به شاعر فطره آمده بود، گفت: «همین جا از استاد رحمانیان عذر می‌خواهم که کتاب‌شان چاپ نشد و بلداند تقصیر من نبود. نمی‌دانم ناشر شایسته یا برجسته یا چه هستم اما فقط می‌دانم به کارم عشق می‌ورزم.» پاکدل که اجرای این برنامه را بر عهده داشت با یسادی از بزرگان تئاتر گفت: «ما همه وسط درام زندگی می‌کنیم و تاریخ هنر در حال نوشته شدن است. ۱۷ سال پیش گفت‌وگویی با معاون وقت سیما داشتم تا از



توهینی که به عبدالحسین زرین‌کوب در یکی از برنامه‌ها شده بود، اعتراض کنم. او هم پذیرفت اما حرف من این است که مادر دهر فقدر باید بزیادت تا یکی همچون زرین‌کوب به دنیا بیاید.» او با گفتن این‌ نکته نام بهرام بیضایی را به عنوان نویسنده موثر در حوزه تئاتر برد. محمد رحمانیان نیز به جای بیضایی به روی سن آمد و اظهار کرد: من یک جایزه‌بگیر حرفه‌ای شده‌ام. البته جایزه بگیر بدل! سال گذشته جایزه چرمشیر را گرفتم و امسال هم به جای بیضایی اینجا ایستادم. دیشب تلفنی با او درباره جشن صحبت کردم و او سلام رساند و دو یادداشت به من داد که پیش از این کمتر خوانده شده است. رحمانیان بعد از خواندن یادداشت‌های بیضایی گفت: «به تاسی از شهزاد قسه‌های بیضایی این جایزه را به شهزاده‌های نمایش‌های خودش، عصمت صفوی، مهری وداییان، مهین بدیعی که دیگر در میان ما نیستند و سوسن تسلیمی، شبنم طلوعی و مژده شمسایی که بار سفر بسته‌اند، تقدیم می‌کنم.» یادی از زنده‌یاد رضا کرم رضایی بخش دیگری از این برنامه بود که بهزاد فراهانی برای صحبت درباره این هنرمند به روی سن آمد و گفت: کرم رضایی تازه از آلمان برگشته بود که به دعوت استاد جوانمرد به گروه هنر ملی آمد. اگر به دیگر دوستان برنخورد او آچار فرانسه گروه هنر ملی بود. افسشین کرم رضایی جایزه پدر فقیدش را به پاس یک عمر فعالیت از بهزاد فراهانی گرفت و فراهانی نیز یک خاطره درباره بیضایی گفت: من زمانی با بیضایی فوتبال بازی می‌کردم، او همسایه رخ در رخ ما بود و علاوه بر هنر من در فوتبال هم شاگردی او را کردم. یاد رادی بخش دیگری از این مراسم بود که با حضور حمیده‌بانو عنقا همسر او برگزار شد. خانم عنقا گفت: کسانی که به تئاتر علاقه

دارند هیچ‌گاه رادی را از یاد نمی‌برند. جای او خیلی خالی است، ای کاش او به جای من اینجا ایستاده بود، چندگاهی است که اگرچه رادی در میان ما نیست اما آثارش در ادبیات نمایشی ایران ماندگار است و نمایشنامه‌نویسان جوان کشورمان در تاریخ نه چند طولانی تئاتر این سرزمین ما رادی را زنده نگه می‌دارند. پس از اهدای جایزه ویژه این دوره از جشن به فراهانی او در سخنانی گفت: من شاگرد اکبر رادی، بهرام بیضایی، بیژن مفید، شاهین سرکسیان، سعید سلطان‌پور و عباس جوانمرد هستم. پس همیشه شاگرد بودم و امیدوارم همیشه شاگرد خوبی باشم و بیشتر آرزو می‌کنم هرگز به این ملک و به بزرگان اهل ادب خیانت نکنم. امیدوارم روزی روزگاری بتوانیم انقدر درام‌نویسان بزرگ داشته باشیم که به یکی، دو نفر از رجل بزرگ درام‌نویسی اکتفا نکنیم و بدون شک به این روز خواهیم رسید.